

آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره پانزدهم، شماره ۲۷، بهار - تابستان ۱۴۰۲  
نوع مقاله: علمی - پژوهشی (۴۵-۶۷)

## گستره مدت در ازدواج موقت\*

- ابراهیم جوانمرد فرخانی<sup>۱</sup>
- سعید ابراهیمی<sup>۲</sup>
- سید محمد رضوی<sup>۳</sup>

### چکیده

در رابطه با حداقل و حداکثر مدت در ازدواج موقت، بین فقها و حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. در قانون مدنی، مقرره‌ای وجود ندارد که گستره مدت در این نهاد حقوقی را مشخص کند. بر این اساس، در این مقاله در پی آن هستیم که ضمن تبیین نظرهای گوناگون، دیدگاهی را برگزینیم که مبتنی بر قواعد فقه مدنی و اصول حقوقی باشد. اطلاعات این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حداقل مدت در ازدواج موقت به اندازه‌ای است که در آن امکان استمتاع و التذاذ جنسی وجود داشته باشد. حداکثر مدت نیز نباید بیش از عمر زوجین یا یکی از آن دو باشد.

\* تاریخ دریافت: ۱۳/۱/۱۴۰۰ - تاریخ پذیرش: ۵/۸/۱۴۰۰.

۱. استادیار گروه الهیات دانشگاه گنبد کاووس (javanmardebrahim@yahoo.com).

۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) (s.ebrahimi@umz.ac.ir).

۳. استادیار گروه حقوق دانشگاه بیرجند (razavi1213@birjand.ac.ir).

در نهایت، بر اساس تفسیر اراده طرفین با توجه به عرف و الزام آن‌ها به رعایت امور عرفی می‌توان گفت ازدواجی که برای مدت طولانی منعقد شده، در حکم نکاح دائم بوده و همه آثار زوجیت دائم مانند طلاق، ارث، عدّه، حق قَسَم و نفقه بر آن مترتب می‌شود.

**واژگان کلیدی:** کوتاه، بلند، مدت، ازدواج، موقت.

### مقدمه

ازدواج موقت ازدواجی است که بر پایه مدت مشخص و مهر معین انجام می‌گیرد؛ خواه این مدت کوتاه باشد یا طولانی که از آن به متعه، صیغه یا نکاح منقطع تعبیر می‌شود. در این نوع ازدواج، خدای متعال هر گونه تغییر و تبدیل مدت را به توافق زن و شوهر واگذارده است؛ زیرا این امور حق‌الناس و مجموعه‌ای از حقوق متقابل بوده که اختیارش به دست خود زن و شوهر است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۸/۳۱۸). در این میان، با توجه به اینکه عقد ازدواج موقت، یکی از عقود است، باید علاوه بر شرایط عمومی صحت معاملات، دارای شرایط اختصاصی به خود نیز باشد. از جمله شرایط اختصاصی این عقد، تعیین مدت است. ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد:

«نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد».

همان طور که از متن قانون پیداست، همین مقدار که مدت معین در ازدواج موقت ذکر شود، کفایت می‌کند، هرچند که مدت در نظر گرفته شده کم یا زیاد باشد. بدین ترتیب، مدت در ازدواج موقت حد و حصر معینی ندارد؛ گاه آن قدر طولانی بوده که تمام عمر زوجین یا یکی از آن دو را در بر می‌گیرد و گاه آن قدر کوتاه بوده که به صورت محرمیت چند ساعته و حتی لحظه‌ای تعیین می‌شود. همین مسئله، ابهامات و اختلاف نظرهای زیادی را به وجود آورده است.

از جمله ابهامات مطرح شده در این زمینه، گستره مدت و تعیین حداقل و حداکثر زمان در ازدواج موقت است. طبق نظر مشهور فقها و حقوق دانان، مدت در ازدواج موقت محدودیتی ندارد (کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۱۳/۲۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۷/۲۸۰؛ شیروی، ۱۳۹۵: ۱۳؛ لطفی، ۱۳۹۲: ۱/۳۵). برخی دیگر معتقدند که حداقل مدت در ازدواج موقت

باید مقداری باشد که امکان انتفاع و بهره‌برداری جنسی وجود داشته باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۶/۳۰؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۳۸/۱). از سویی دیگر، در مورد ازدواج موقت بلندمدت، عده‌ای از فقها و حقوق‌دانان قائل اند که چنین ازدواجی حکم عقد دائم را دارد (موسوی خویی، ۱۳۸۱: ۲۹۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۴۷/۵؛ شیروی، ۱۳۹۵: ۱۳). برخی دیگر گفته‌اند که عقد موقت بلندمدت، صحیح و موقت محسوب می‌شود (میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۴۳۵/۴؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۱۱۵/۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ۲۴۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۷) و از نظر برخی دیگر، باید مدت عقد موقت از مقدار عمر زن و شوهر یا یکی از آنها بیشتر نباشد، وگرنه چنین عقدی باطل است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۵/۳۰؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۴۰۲؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۶۱۳/۱۹). نکته اساسی در این است که با توجه به تفاوت در احکام ازدواج موقت و دائم از جهت نفقه، ارث و...، اختلاف نظر فوق می‌تواند بسیار تأثیرگذار در احکام مذکور باشد. برای مثال، زوجه موقتی که مدت عقد او ۹۹ سال بوده است، در صورت اول نمی‌تواند از شوهر ارث ببرد، در حالی که در فرض دوم از شوهر ارث خواهد برد و نفقه به او تعلق خواهد گرفت.

با توجه به مراتب مذکور، سؤال اساسی این تحقیق آن است که در ازدواج موقت، اراده طرفین در تعیین مدت تا کجاست؟ آیا آنان در تعیین حداقل و حداکثر مدت، آزادی کامل دارند؟ انعقاد عقد موقت برای چند لحظه جهت ایجاد محرمیت، چه حکمی دارد؟ کمترین میزان مدت در ازدواج موقت چیست؟ چنانچه مدت زمان ازدواج موقت، طولانی باشد، به ازدواج دائم منقلب خواهد داشت؟ گاه در ازدواج موقت، بلند بودن مدت ممکن است موجب عسر و حرج زوجه شده و زوج نیز از انحلال نکاح فیمابین از طریق بذل مدت امتناع ورزد؛ حال در چنین فرضی، آیا الزام زوج به بذل مدت با توجه به قاعده فقهی «الحاکم ولی الممتنع» امکان‌پذیر است؟

از دید پیشینه پژوهشی، آنچه بیشتر مورد گفتگو قرار گرفته و پیرامون آن پژوهش‌های مستقل و ارزشمندی به نگارش درآمده است، تعریف، ماهیت، شرایط و احکام عمومی ازدواج موقت است؛ اما ماهیت حقوقی ازدواج موقت کوتاه و بلندمدت با چالش‌های بیشتری مواجه است که کمتر مورد تبیین، تجزیه و تحلیل فقهی، مبناسازی و استدلال با قانون، طرح ایرادها و پاسخ بدان قرار گرفته است. در حقوق موضوعه ایران نیز نص

صریحی در این خصوص وجود ندارد. در فقه اسلامی اختلاف نظر وجود دارد و در آثار حقوق دانان، بسیار کم به این موضوع پرداخته شده است (برای نمونه ر.ک: محقق داماد، ۱۳۸۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۲؛ صفایی و امامی، ۱۳۹۸). بر همین اساس، نگارندگان بحث یادشده را از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق ایران بررسی و مورد مذاقه دقیق علمی قرار داده‌اند.

## ۱. اقسام ازدواج موقت

ازدواج موقت از حیث مدت به کوتاه مدت و بلندمدت قابل تقسیم است که هر کدام بنا به اقتضای خود، قوانین و مقررات ویژه‌ای دارد.

مدت لغتی تازی است که از ریشه مدّ به معنای زیادت است. جذب و کشیدن را مدّ گویند و مدت را به معنای وقت ممتدّ به کار برده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۶۳). در برخی متون لغوی، این واژه به قسمتی از وقت و بخشی معین از زمان اطلاق شده (جوهری، ۱۴۱۰: ۵۳۷/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۰۰/۳) و در برخی دیگر به معنای زمان کم یا زیاد به کار رفته است (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۵۱/۱۱).

مدت در مورد ازدواج موقت، به معنای بخشی از عمر زوجین است. در این میان، عرف نقش تعیین کننده‌ای دارد؛ زیرا تشخیص موضوعات عرفی و معنا و حدود آن با عرف است. بنابراین باید بر اساس میزان عمر انسان معمولی، کوتاه و بلند بودن مدت را سنجد. از این منظر، هر ازدواجی که عرفاً مدت آن زائد بر متعارف باشد یا بیش از طول عمر زوجین یا یکی از آنها باشد، بلندمدت به شمار می‌آید و هر ازدواجی که مدت کمی از عمر زوجین را در بر بگیرد، مانند یک روز یا یک ساعت یا یک لحظه، کوتاه مدت به حساب می‌آید.

## ۲. فایده تقسیم عقد به موقت و دائم

فارغ از آثاری که می‌توان برای ازدواج موقت تصور کرد، تفکیک عقد موقت از دائم دارای آثار مهمی است که به شناخت صحیح‌تر و درک بهتر این بحث، کمک می‌کند. به همین جهت، پاره‌ای از آثار و ویژگی‌هایی را که متمایزکننده عقد موقت از دائم است، مورد اشاره قرار خواهیم داد:

۱. تعیین مدت: ازدواج موقت بر خلاف ازدواج دائم، برای مدت زمان معینی جاری می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۲/۳۰).
۲. تعیین مهر: عدم وجود مهریه در ازدواج موقت، موجب بطلان عقد است؛ ولی در ازدواج دائم، اجباری به تعیین مهر نیست (همان: ۱۶۲/۳۰).
۳. نفقه: در ازدواج دائم، مخارج زن از قبیل: خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و لوازم دیگری که در نظر مردم جزء هزینه‌های زندگی زن است، بر عهده شوهر می‌باشد و چنانچه شوهر آن‌ها را تهیه نکند، گرچه تنگدست باشد، مدیون همسرش می‌باشد؛ ولی در ازدواج موقت، زن حق مخارج گفته‌شده را ندارد، مگر اینکه در عقد شرط کرده باشند که مرد مخارج زن را پرداخت نماید (عاملی جیبی، ۱۴۱۰: ۴۶۵/۵).
۴. ارث: در ازدواج دائم، زن و مرد از یکدیگر ارث می‌برند؛ در حالی که در ازدواج موقت چنانچه شرط ارث‌بری از یکدیگر نشود، زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۹۰/۳۰).
۵. انحلال عقد: جدایی زن و مرد در ازدواج دائم نیازمند طلاق است؛ ولی در ازدواج موقت پس از تمام شدن مدت ازدواج، زن و شوهر خودبه‌خود به یکدیگر حرام شده و از هم جدا می‌گردند و اگر بخواهند پیش از تمام شدن وقت از یکدیگر جدا شوند، مرد بقیه مدت را می‌بخشد و بدین گونه از هم جدا می‌شوند (همان: ۱۸۸/۳۰).
۶. زمان عده: عده عقد دائم سه طهر است؛ ولی عده عقد موقت دو طهر است. اگر زن با وجود اقتضای سن، عادت ماهانه نداشته باشد، عده او در نکاح موقت ۴۵ روز و در نکاح دائم سه ماه است (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۹۵/۲۶).
۷. تمکین: در عقد دائم، زن باید خود را برای هر لذت جنسی مشروع که مرد بخواهد، تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی و آمیزش مرد جلوگیری نکند؛ ولی زنی که به عقد ازدواج موقت درمی‌آید، اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، شوهر فقط می‌تواند از او لذت‌های دیگر ببرد؛ گرچه در صورتی که زن بعداً راضی شود، شوهر می‌تواند با او نزدیکی نماید (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۸۶/۳۰).
۸. حق قَسَم و مضاجعه: در ازدواج دائم، زن حق «قَسَم» یعنی حق همخوابگی دارد و مرد باید حداقل در هر چهار شب یک شب نزد زن دائم خود بماند، مگر اینکه

او از حق خود بگذرد؛ ولی در ازدواج موقت زن چنین حقی ندارد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳۱۸/۷).

۹. تعیین محل سکونت: در ازدواج دائم، گزینش محل سکونت با زوج است؛ اما در ازدواج موقت، ملاک توافق بین زن و شوهر است و اگر قراردادی نداشته باشند، زن ملزم به سکونت در محل معین شده توسط شوهر نیست (موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۲۸۷/۲).

۱۰. ازدواج با اهل کتاب: ازدواج دائم بین مسلمان و اهل کتاب جایز نیست؛ ولی ازدواج موقت با زن اهل کتاب شرعاً مانعی ندارد (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۲۵).

۱۱. تعدد عقد: در ازدواج دائم، مرد حق ندارد بیش از چهار زن دائمی داشته باشد؛ ولی در ازدواج موقت می‌تواند بیش از چهار زن برای خود برگزیند (علامه حلی، ۱۳۸۸: ۶۳۹).

۱۲. مدیریت خانواده: در ازدواج دائم، شوهر مدیر خانواده است؛ ولی در ازدواج موقت، بستگی به قرارداد طرفین دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۸۶/۳۰).

۱۳. خروج از منزل: در ازدواج موقت، پیروی زن از شوهر همچون همسر دائمی لازم نیست و زن در خروج از منزل آزاد است، مادام که منافات با حق استمتاع شوهر نداشته نباشد؛ ولی در ازدواج دائم، این امر بدون اذن زوج و احراز رضایت وی جایز نیست (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۳۱/۴).

### ۳. تعیین مدت در ازدواج موقت

بر اساس نص صریح روایات و اجماع فقها، ذکر مدت معین از جمله شرایط صحت ازدواج موقت است (کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۲۶/۱۳؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۴۸). صاحب جواهر در تعیین مدت می‌نویسد:

«مدت باید به گونه‌ای باشد که احتمال کم و زیاد در آن نرود. بنابراین نمی‌توان مدت را مثل وقت آمدن باران یا رسیدن حجاج قرار داد» (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۶/۳۰).

این مسئله به صراحت مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است. ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد:

«نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد».

بر طبق مفاد این ماده، مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود؛ یعنی ابتدا و انتهای آن معلوم باشد، به طوری که احتمال کمی و زیادی نرود؛ خواه مدت مزبور کوتاه باشد، مانند یک یا چند ساعت و خواه طولانی باشد مانند هشتاد یا نود سال (امامی، بی‌تا: ۱۰۲/۵؛ محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۱۶؛ صفایی و امامی، ۱۳۹۸: ۳۸). با این اوصاف، ازدواج موقت به مدت عمر زوجین یا یکی از آن دو یا شخص ثالث، فاقد وجهت قانونی است؛ زیرا طول عمر افراد مجهول است و چه بسا ممکن است نکاح به مدت حیات زوجه منعقد شود و زوجه چند دقیقه پس از عقد فوت کند یا چندین سال بعد از انعقاد عقد زنده بماند. در ماده ۱۰۷۶ قانون مدنی آمده است:

«مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود».

ضمانت اجرای تخلف از این ماده، بطلان نکاح است و از قید «کاملاً» چنین برمی آید که قابلیت تعیین مدت کافی نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۶۶۶). بنابراین اگر در نکاح آمده باشد که زوجیت برای زمانی است که جنگ ادامه دارد یا زن وضع حمل نکرده است، عقد باطل است. با وجود این، در مواردی که مدت به طور متعارف معین نشده، ولی به قرائن می‌توان آن را معین ساخت، نکاح صحیح است (همو، ۱۳۹۶: ۶۶).

با نگرشی به متون فقهی می‌توان دریافت که یک یا دو بار نزدیکی برای تعیین مدت در ازدواج موقت کفایت نمی‌کند (کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۳۰/۱۳؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۴۵۳/۷). با وجود این، در روایتی زراره به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند:

«آیا یک ساعت یا دو ساعت لذت بردن از زن برای مرد مجاز است؟ امام علیه السلام می‌فرماید: یک ساعت و دو ساعت حد ندارد؛ بلکه شمارنده‌ها یک یا دو بار مباشرت و یک روز و دو روز و یک شب و مانند آن است» (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۵۸/۲۱).

در این روایت، امام صادق علیه السلام ضمن اینکه یک ساعت و دو ساعت را برای تعیین مدت در ازدواج موقت کافی ندانسته است، عرد و عردین را که کنایه از یک بار یا دو بار نزدیکی است، به عنوان اجل برای عقد متعه کافی شمرده است. ممکن است این سؤال مطرح شود که ساعت، زمان معین (۶۰ دقیقه) دارد و دقیق و منضبط است، پس چطور امام صادق علیه السلام می‌فرماید که ساعت حد ندارد. برخی فقها

در جواب گفته‌اند که «أو» در «ساعة أو ساعتین» به معنای «یا» نبوده، بلکه به معنای «و» است. از این رو مراد از عبارت، «یکی دو ساعت است» که مجهول است (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۱۱/۳۳۲).

این توجیه، خلاف ظاهر است و بهتر آن است که در پاسخ بگوییم مراد از ساعت در این روایت، ساعت نجومی<sup>۱</sup> و ۶۰ دقیقه نیست، بلکه مقصود بخشی از زمان و ساعت عرفی<sup>۲</sup> است و چون ساعت عرفی حد و مرز ندارد، نمی‌تواند اجل برای عقد متعه قرار گیرد (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۹/۶۱۷۵).

صاحب جوهر در ادامه می‌نویسد:

«و اگر برای تعیین مدت در عقد موقت به مقداری از روز اکتفا شود، به شرطی که انتهای آن - مثل زوال یا غروب خورشید - معلوم باشد، جایز است» (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۷/۳۰).

بر اساس این عبارت، چنانچه مبدأ در ازدواج موقت معلوم نبوده، ولی انتهای آن معین باشد، مانعی ندارد. برخی حقوق‌دانان نیز هم‌عقیده با این نظر چنین نگاه داشته‌اند که هر گاه مدت در نکاح منقطع معین و آغاز آن نامعین باشد، نکاح درست است و زوجیت از تاریخ عقد شروع می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۶۶).

اما این نظر خالی از اشکال نیست؛ زیرا برای رفع غرر و جهل و تعیین مدت در ازدواج موقت، همان طور که باید انتهای آن معلوم باشد، ابتدای آن نیز باید معین باشد. از تعبیر «أیام معلومة» که در برخی روایات آمده (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۶۲) نیز استفاده می‌شود که مبدأ باید معلوم باشد. علاوه بر این، ازدواج موقت به اجاره تشبیه شده است (قزوینی، ۱۴۱۴: ۲۰۰)؛ چنان که در برخی روایات، تعبیر «آنان در حکم اجیرانی هستند که منافعتشان مورد اجاره واقع شده است» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۱۸) آمده و در اجاره، اگر مبدأ نامعلوم و منتها معلوم باشد، اجاره باطل است (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۱۹/۳۵۴).

۱. مراد از ساعت نجومی، یک بیست و چهارم از مجموع بیست و چهار ساعت شبانه روز است (مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، بی تا: ۴/۳۵۰).

۲. مراد از ساعت عرفی، قطعه‌ای کوتاه از شب یا روز است که در عرف قبل از به کارگیری ساعت امروزی رواج داشت (همان).



#### ۴. حداقل مدت در ازدواج موقت

بنا بر نظر مشهور فقها و حقوق‌دانان، مدت در ضمن عقد متعه، حد و حصر معینی ندارد و طرفین می‌توانند به هر اندازه که مایل باشند، توافق نمایند. بنابراین می‌توانند زمانی را که حتی فرصت یک بار نزدیکی هم نیست - مثل یک لحظه - به عنوان مدت قرار دهند (عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۴۴۹/۷؛ کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۲۶/۱۳؛ شیروی، ۱۳۹۵: ۱۳؛ لطفی، ۱۳۹۲: ۳۵/۱).

در مقابل نظر مشهور، برخی فقها گفته‌اند که مدت عقد متعه نمی‌تواند کمتر از زمان مابین طلوع آفتاب تا ظهر باشد (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۳۱۰). این دیدگاه شاذ و نادر است و دلیلی بر آن وجود ندارد. با وجود این، ممکن است این تعبیر را مثالی برای تعیین مدت در عقد متعه بدانیم؛ به این معنا که مقدار آن - از طلوع شمس تا زوال - را از سایر اوقات در نظر گرفته و به عنوان حداقل مدت در عقد قرار دهیم.

گروهی دیگر از فقها بر این عقیده‌اند که مدت در عقد متعه باید به اندازه‌ای باشد که زوج بتواند از زوجه انتفاع ببرد؛ چرا که اگر مدت را مقداری قرار دهند که انتفاعی از زوجه برده نشود، چنین عقدی سفهی و باطل است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۶/۳۰؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۳۸/۱). در میان حقوق‌دانان، کسی این نظریه را به نحو صریح و قطعی مطرح نکرده است. قانون‌گذار نیز از حداقل مدت در ازدواج موقت سخن نگفته و این موضوع را مسکوت گذاشته است و همین امر سبب شده که این موضوع بدون ضابطه رها شود.

با توجه به آنچه بیان شد، مناسب است دیدگاه‌های مطرح‌شده در این مسئله مورد تحلیل و بررسی بیشتر قرار گیرد.

#### ۴-۱. محدود نبودن مدت به حد زمانی خاص

بر اساس این نظریه، همچنان که مقدار مهر از نظر قَلت و کثرت به خواست طرفین عقد بستگی دارد، تنظیم زمان از نظر کم یا زیاد بودن مدت نیز در اختیار آنان است. متن عبارت بیشتر فقها در این باره چنین است:

«کوتاه گرفتن یا بلند بودن مدت ازدواج، با خود زوجین است» (موسوی سبزواری،

۱۴۱۳: ۹۲/۲۵؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۴۴۹/۷).

در جامع‌الشتات چنین آمده است:

«اما در جانب قَلْت، پس مشهور آن است که هرچند به مقدار یک جماع کردن هم نباشد، صحیح است و تحدید ابن حمزه به مابین طلوع شمس تا نصف‌النهار ضعیف است» (میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۴/۴۳۵).

از جمله دلایلی که این دیدگاه به آن استناد نموده، آن است که به موجب اطلاق آیه متعه (نساء/۲۴) و روایات موجود در این باب (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۹/۲۱)، همین مقدار که مدت معین در عقد موقت ذکر شود، کفایت می‌کند؛ هرچند که آن مدت کم باشد و امکان مقاربت در آن زمان وجود نداشته باشد (کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۲۶/۱۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲۸۰/۷). شاهد بر این سخن آن است که آثار زوجیت در آیه متعه و روایات، مقید به زمان قابل استمتاع نشده است؛ پس عقد موقت لحظه‌ای صحیح و دارای آثار شرعی است.

ممکن است گفته شود نکاح یک موضوع عرفی است که شارع آن را امضا کرده و ماهیت نکاح عرفاً در جایی حاصل می‌شود که امکان استمتاع وجود داشته باشد؛ وگرنه چنین عقدی غرض عقلایی نداشته و به علت فقدان ثمره، سفهی و باطل است (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۶۱۷۳/۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۴۸/۵).

قائلان به این دیدگاه در پاسخ گفته‌اند که فایده عقد نکاح، منحصر در استمتاع و مقاربت نیست؛ بلکه محرمیت و جواز نظر هم می‌تواند به عنوان یکی از آثار و فواید نکاح به شمار آید. برای مثال، یکی از راه حل‌های محرمیت میان فرزندخوانده و فرزندپذیر آن است که دخترخوانده را یک لحظه به عقد موقت پدر پدرخوانده درآورند تا دخترخوانده زن‌بابای پدرخوانده شده و برای همیشه به او محرم شود (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۳۸/۲۴)؛ یا پزشکی که می‌خواهد بدن بیمار خود را برای چند دقیقه بدون معاینه کند، می‌تواند با اجرای صیغه موقت به او محرم گردد. بی‌تردید همین مقدار به عنوان اثر برای نکاح کافی بوده و غرض عقلایی نیز در پی دارد (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۲۱: ۳۴۵).

گفتنی است که قانون‌گذار هیچ حداقلی را برای مدت ازدواج موقت تعیین نکرده و تنها به موجب ماده ۱۰۷۶ قانون مدنی، ذکر مدت معین در نکاح منقطع را الزامی دانسته است (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۶۶).

برخی حقوق دانان در این باره گفته‌اند:

«مدت زمان نکاح موقت می‌تواند مدت کوتاهی مثل یک ساعت یا حتی کمتر باشد» (شیروی، ۱۳۹۵: ۱۳).

بر پایه این رویکرد، حقوق دانان دیگری قائل‌اند که چگونگی تعیین مدت در ازدواج موقت به موجب اصل حاکمیت اراده در اختیار متعاقدين است و حداقل مدت در ازدواج موقت بنا بر توافق طرفین می‌تواند به هر میزان، حتی کمتر از زمان لازم برای جماع باشد (مدنی، ۱۳۸۶: ۱۸۸/۸؛ لطفی، ۱۳۹۲: ۳۵/۱).

#### ۲-۴. محدود بودن مدت به امکان استمتاع

طبق این نظریه، حداقل زمان عقد موقت باید مقداری باشد که در آن، امکان استمتاع و التذاذ جنسی وجود داشته باشد، در غیر این صورت چنین عقدی باطل است؛ زیرا قوام ماهیت نکاح به قابلیت تمتع است و اگر این قابلیت نباشد، موضوع حاصل نیست و زمانی که موضوع نبود، حکم بر آن مترتب نمی‌شود (موسوی خمینی، بی‌تا: ۲۷۷/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۲۶/۳).

صاحب جواهر در این زمینه می‌فرماید:

«متبادر از ادله آن است که حداقل زمان در متعه باید مقداری باشد که در آن شأنیت تمتع وجود داشته باشد؛ حتی اگر ثمره‌ای همچون محرمیت یا جواز نظر برای آن متصور باشد. پس اگر عقد زوجه صغیره را مدت چند سال قرار دهند که تا آن زمان قابل تمتع گردد، بلاشکال کافی خواهد بود» (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۶/۳۰).

محقق نراقی نیز می‌نویسد:

«آنچه مذکور شد، در صورتی است که صغیره قابل یک نوع استتماعی باشد یا آنکه مدت تمتع مدتی باشد که در آن، قابلیت آن را به هم رساند؛ والا در صحت آن اشکال است» (نراقی، ۱۴۲۲: ۳۸/۱).

در مقابل، مشهور فقها قائل به صحت ازدواج موقت لحظه‌ای شده و گفته‌اند که فایده این ازدواج، محرمیت و جواز نظر است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۳۸/۲۴؛ فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۲۱: ۳۴۵). ولی باید توجه نمود که ترتب حکم و آثار آن بر یک موضوع، بعد

از احراز آن موضوع است. پس ابتدا باید نکاح با تمام اسباب و شرایطش به درستی در خارج محقق شود، سپس آثار زوجیت مترتب گردد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۴۸/۵).

بیان مطلب آن است که احراز موضوع، شرط فعلیت و تنجز حکم است؛ زیرا نسبت حکم به موضوع، نسبت معلول به علت است. بنابراین چنانچه موضوع محرز شد و تمامی جزئیاتش مشخص گردید، حکم به مرحله اثبات رسیده و تنجز و فعلیت می‌یابد و اگر موضوع احراز نشود، نمی‌توان گفت که حکم ثابت است (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۱۷۶/۱؛ محقق داماد، ۱۴۰۶: ۴۸/۴). با این اوصاف، حکم نمی‌تواند موضوع خود را اثبات کند، بلکه حکم برای موضوع مفروض الوجود ثابت می‌شود؛ زیرا بنا بر قاعده فرعیت، ثبوت محمول برای موضوع، فرع ثبوت موضوع است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸: ۴۳/۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱۶۸/۱). برای مثال، جواز اقتدا به شخص عادل اثبات نمی‌کند که این شخص عادل است، بلکه ابتدا باید عدالت او را به دست آورد و سپس گفت که اقتدا به او جایز است (صالحی مازندرانی، ۱۳۸۲: ۶۹/۴). در مورد بحث نیز ابتدا باید ماهیت نکاح حاصل شود، سپس احکام و آثار آن مترتب شود. با این وصف، محلی که صلاحیت تمتع در آن وجود ندارد، ماهیت نکاح عرفاً در آن حاصل نمی‌شود و در این صورت، موضوعی برای حکم وجود ندارد تا آثار آن جاری شود (شیرازی، ۱۴۱۹: ۶۱۷۴/۱۹).

### ۳-۴. نظریه مختار

به نظر می‌رسد نظریه محدود بودن مدت به امکان استمتاع، منطقی‌تر و با ماهیت نکاح منطبق‌تر است؛ زیرا در روایات باب متعه (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۴۵۵/۵)، احکام زوجیت بر لفظ نکاح مترتب نشده است تا یک لحظه نیز برای تعیین مدت کفایت کند، بلکه احکام نکاح بر علقه زوجیت مترتب شده است. لذا برای جریان این آثار باید ازدواجی که آن نیز از مصادیق زوجیت است، صورت گیرد و چون در عقد موقت لحظه‌ای عرفاً زوجیت صدق نمی‌کند، لذا احکام آن مثل محرمیت نیز جریان نمی‌یابد.

از سوی دیگر، اطلاق آیه متعه (نساء/ ۲۴) و روایات (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۶۲/۱۴) منصرف به موردی است که امکان تمتع وجود داشته باشد؛ زیرا در زمان ائمه اطهار علیهم السلام عقد موقت لحظه‌ای وجود خارجی نداشته است. تعابیر موجود در روایات همگی انصراف به مواردی دارد که سؤال راویان درباره ازدواجی است که در آن امکان استمتاع و التذاذ جنسی وجود دارد. لذا در سؤال راوی از امام، قابلیت انتفاع امری مفروض و مسلم بوده که نیازی به توضیح نداشته است. پس با توجه به اینکه قدر متیقنی در مقام تخاطب موجود بوده است، اخذ به اطلاق با مانع مواجه است. بر فرض که روایات از این حیث اجمال داشته باشند، لازم است به قدر متیقن تمسک کنیم. قدر متیقن، نکاحی است که در آن شأنیت تمتع وجود داشته باشد.

افزون بر این، مقتضای اصالة الفساد و اصل استصحاب، عدم ترتب آثار زوجیت بر چنین عقدی است؛ زیرا رابطه زوجیت پیش از عقد بین زن و مرد وجود نداشته است و اکنون شک می‌شود که آیا با عقد موقت به مدت چند لحظه، زوجیت محقق شد یا نه؟ اصل، عدم تحقق زوجیت و ترتب آثار نکاح است.

در حقوق ایران نیز به نظر می‌رسد که باید حداقلی از مدت را رعایت نمود؛ یعنی طرفین عقد موقت نمی‌توانند هر مدتی را حتی کمتر از زمان قابل تمتع تعیین نمایند؛ زیرا اگر طرفین حداقل مدت لازم برای استمتاع و التذاذ جنسی را رعایت نکنند، باید نکاح را به علت عدم وجود قصد یا فقدان منفعت عقلایی باطل دانست. علاوه بر اینکه ازدواج موقت مشابهت زیادی با اجاره دارد (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۶۶؛ امامی، بی‌تا: ۱۰۴/۵)؛ همچنان که در روایات، متعه را شبیه اجاره و زن را همانند اجیر دانسته‌اند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸/۲۱). لذا بر اساس قاعدة «اشیاء همانند، دارای حکمی همانند خواهند بود» (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۹۴/۱۲)، در متعه نیز باید مانند اجاره عمل نمود. در اجاره، مستأجر مورد اجاره را برای یک غرض عقلایی اجاره می‌نماید که همانا استفاده و بهره‌برداری معقول و متعارف است. لذا رعایت حداقل زمان برای استیفای منفعت در تنظیم عقد اجاره به حسب نوع لازم است. با این وصف می‌توان گفت که در عقد متعه نیز رعایت حداقل مدت برای انتفاع و بهره‌برداری ضروری است.

## ۵. حداکثر مدت در ازدواج موقت

در مورد حداکثر مقدار مدت، عده زیادی از فقها و حقوق‌دانان قائل‌اند که برای آن هیچ محدودیتی وجود ندارد؛ به طوری که می‌توان مدت زمان را به قدری طولانی قرار داد که عادتاً زوجین تا پایان آن زمان زنده نمی‌مانند (عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۴۴۹/۷؛ کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۲۶/۱۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲۸۰/۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۳۸/۲۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ۲۴۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۷). گروهی دیگر از فقها بر این عقیده‌اند که زمان عقد موقت نباید بیش از عمر زوجین یا یکی از آن دو باشد، وگرنه چنین عقدی باطل است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۵/۳۰؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۴۰۲؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۶۱۷۳/۱۹) و از نظر برخی دیگر، ازدواج موقت بلندمدت به ازدواج دائم تبدیل می‌شود (موسوی خویی، ۱۳۸۱: ۲۹۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۴۴/۲؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۳۰۹/۳؛ نوری همدانی، ۱۴۲۰: ۳۱۶؛ شیروی، ۱۳۹۵: ۱۳). در این مبحث، قانون‌گذار ساکت است و حکم مشخصی ندارد؛ به همین جهت، برخی برای گریز از آثار و پیامدهای ازدواج دائم و قوانین مربوط به حمایت خانواده، اقدام به ازدواج موقت بلندمدت می‌نمایند. لذا اهمیت این موضوع اقتضا می‌کند که قانون‌گذار با ایجاد اوصاف و شرایطی، ازدواج موقت بلندمدت را در محدوده قانونی قرار داده و از این راه به اجرای عادلانه این سنت الهی اقدام نماید.

با توجه به مراتب مذکور، دیدگاه‌های مطرح‌شده در این زمینه را تبیین و سپس مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌دهیم.

### ۱-۵. محدود نبودن مدت به عمر زوجین

بر اساس این نظریه می‌توان ازدواج موقتی منعقد کرد که مدت آن بیش از عمر زوجین یا یکی از آن دو باشد. از این منظر، ازدواج موقت بلندمدت صحیح بوده و احکام عقد موقت بر آن مترتب خواهد بود. در جامع‌الشتات این گونه آمده است:

«حَدِّ معینی در متعه در جانب قَلْت و کثرت در شرع ثابت نشده... و اما در جانب کثرت، پس خلافتی در مسئله ندیدم و شاید اجماعی باشد؛ چنان که بعضی گفته‌اند ظاهر این است که اجماعی است و به مقتضای عمومات هم صحیح است و مانعی برای آن نیست به غیر احتمال مرگ قبل از تمام شدن، و این هم با وجود تراضی طرفین مضر نیست» (میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۴۳۵/۴).

محقق نراقی نیز می‌نویسد:

«مقتضای اخبار وارده از ائمه اطهار علیهم‌السلام و اطلاق کلمات علمای ابرار رضوان الله علیهم، جواز هر قدر از مدت معینه است، اگرچه بقایش تا آن مدت عادتاً ممکن نباشد و بعضی از علما تصریح به این مطلب فرموده و ادعای اجماع بر آن کرده است» (نراقی، ۱۴۲۲: ۱۱۵/۱).

با توجه به این بیان، روشن شد که دلیل این دسته از فقها بر صحت ازدواج موقت بلندمدت، یکی اجماع است و دیگری اطلاق ادله. از این منظر، بطلاً محتاج دلیل است و دلیلی بر ممنوعیت وجود ندارد.

ناگفته نماند که در حقوق موضوعه ایران، قانون‌گذار از حداکثر مدت در ازدواج موقت سخن نگفته و حکم روشنی در این خصوص بیان نکرده است. در میان حقوق دانان، برخی با قیاس اجاره به ازدواج موقت، به طور تلویحی ازدواج موقت بلندمدت را صحیح دانسته و گفته‌اند:

«اجاره ۹۹ ساله از اقسام اجاره درازمدت است و اجاره درازمدت هم در حقوق ما سابقه دارد، کما اینکه در نکاح منقطع هم مدت ۹۹ سال معین می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۷).

حقوق دانان دیگری تعیین مدت را در ازدواج موقتی که بخش عمده‌ای از عمر زوجین را در بر بگیرد یا بر عمر طبیعی آن‌ها غلبه کند، صحیح دانسته و آن را تابع احکام ازدواج موقت تلقی نموده‌اند (مدنی، ۱۳۸۶: ۱۸۸/۸؛ لطفی، ۱۳۹۲: ۳۵/۱). در این راستا، اصل حاکمیت اراده نیز ایجاب می‌کند که زن و شوهر در تنظیم عقد مورد نظرشان، آزاد و مختار باشند. بنابراین می‌توان گفت که حداکثر مدت در ازدواج موقت بنا بر توافق طرفین می‌تواند به هر میزان باشد.

## ۲-۵. جایز نبودن مدت بیش از عمر زوجین

بر اساس این نظریه، ازدواج موقت بلندمدت نمی‌تواند بیش از طول عمر مفید زوجین یا یکی از آن‌ها باشد (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۴۰۲؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۹/۱۶۱۷۳)؛ زیرا در ازدواج موقت شرط است که زوج مالک منفعت زوجه در تمام طول نکاح شود

و بدیهی است که با فوت او، این امر ناممکن است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۵/۳۰).

به طور مکرر در کتاب‌های فقهی آمده است که ازدواج موقت بر خلاف ازدواج دائم، یک عقد معاوضی محض است که ماهیت مهر در آن به مثابه عوض در قراردادهای معاوضی است (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۱۳؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۳۱۰/۴؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۴۱۸/۴).

به این معنا که زن با ایجاب عقد، بهره‌جویی از خود را به مرد تملیک نموده و مرد نیز با قبول آن در ازای تملیک مهر به زن، مالک بهره‌جویی خواهد بود. از این منظر، عوض و معوض در برابر هم مبادله می‌شوند، به طوری که با فقدان یا فساد یکی، محملی برای دیگری وجود نخواهد داشت. بر این اساس، هر زمان که امکان استمتاع ناممکن شود، تملیک عوض در برابر معوض مختل و نکاح باطل است. در این راستا، هدف اصلی از ازدواج موقت، استمتاع و انتفاع است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۶۲/۳۰؛ به ویژه که در روایات، زن منقطعاً به مستأجره و مهر به اجرت تشبیه شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸/۲۱). لذا حداکثر مدت در ازدواج موقت، مدتی است که صاحب حق انتفاع، حق استفاده از منفعت را دارد.

این دیدگاه در کتب حقوقی مطرح نشده و کسی از حقوق‌دانان به این نظریه قائل نشده است؛ اما در بین فقها طرفدارانی دارد. صاحب‌جوهر در این باره می‌فرماید:

«مدت در عقد متعه تا زمانی است که عادتاً زوجین زنده باشند و بیش از آن سفهی، و متبادر از ادله، غیر آن است، به ویژه که در روایات، متعه به اجاره تشبیه شده است؛ در اجاره انسان نمی‌تواند برای مدتی اجیر شود که می‌داند تا آن هنگام زنده نمی‌ماند» (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۵/۳۰).

در عبارت برخی دیگر از فقها چنین آمده است:

«اینکه صاحب‌جوهر عقدهای طویل‌المده را غیر صحیح و سفهی می‌داند، کلام درستی است. اجماعی در مسئله نیست؛ چون قبل از شهید ثانی، کلمات سابقین به همان تعبیری است که در روایات آمده که اجل به کم و زیاد محدود نمی‌باشد و نمی‌توان ادعا نمود که فروض غیر عرفی هم مورد نظرشان بوده تا بر آن‌ها ادعای اجماع شود و بر این اساس، اولین بار صاحب‌مسالك، شمول این موارد را ادعا نموده و دیگران نیز از او نقل کرده‌اند. به علاوه، اگر صغریاً هم اصل اجماع را بپذیریم، کبرویاً درست نیست؛ زیرا اجماعی مورد قبول است که به امام معصوم متصل باشد و



در اموری که مورد ابتلا نیست، نمی‌توان ادعا کرد که هیچ مخالفی وجود ندارد. امام نیز به غیر محل ابتلا توجه ننموده و موظف هم نیست که از این گونه امور ردع و نهی کند» (شبیروی زنجانی، ۱۴۱۹: ۶۱۷۳/۱۹).

### ۳-۵. انقلاب در ماهیت ازدواج موقت بلندمدت

بر اساس این نظریه، اگر زمان ازدواج موقت به قدری طولانی باشد که عادتاً کسی به آن مقدار عمر نمی‌کند، چنین ازدواجی در حکم عقد دائم است. از این منظر، نکاح منقطع بلندمدت، همه آثار زوجیت دائم مانند طلاق، ارث، عدّه، حق قسّم و نفقه را داراست (موسوی خویی، ۱۳۸۱: ۲۹۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۴۴/۲؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۳۰۹/۳؛ نوری همدانی، ۱۴۲۰: ۳۱۶).

در فتوای آیه‌الله مکارم شیرازی چنین آمده است:

«صیغه ۹۹ ساله در حکم عقد دائم است و تا مراسم طلاق انجام نشود، همچنان زن و شوهر هستند» (مکارم شیرازی، پایگاه اینترنتی معظم‌له، نحوه جدایی در عقد موقت ۹۹ ساله).

ایشان در جای دیگری می‌فرماید:

«با توجه به اینکه بیشتر روایات "یوماً" و "ایاماً" دارد و قلیلی از روایات "شهر" و "سنة" دارد و طبیعت عقد متعه برای ایام محدود است، اگر اطلاقی هم باشد، منصرف به ایام محدود است. پس اگر مثلاً برای ۹۹ سال عقد متعه کنند، در حکم عقد دائم است» (همو، ۱۴۲۴: ۴۷/۵).

با توجه به این نگرش، ازدواج موقت آن‌چنان که از نامش پیداست، امری است موقتی که کوتاه بودن مدت، جزء ذات و ماهیت آن است (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۱۶). علت لزوم تعیین مدت در ازدواج موقت نیز مشخص کردن مرز میان ازدواج موقت و دائم است. لذا ازدواجی که بخش عمده‌ای از عمر زوجین را در بر گیرد یا بر عمر طبیعی آن‌ها غلبه کند، نکاح دائم محسوب شده و آثار و احکام نکاح دائم بر آن مترتب می‌شود.

برخی حقوق دانان در این زمینه نوشته‌اند:

«در مواردی که مدت مندرج در عقد، از مدت زناشویی متعارف زوجین بیشتر باشد، قصد طرفین و عرف، این ازدواج را دائمی تلقی می‌کند؛ در حالی که حقوق به ظاهر چسبیده و این ازدواج را به دلیل ذکر مدت، موقت محسوب می‌کند» (شبیروی، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

## ۴-۵. نظریه مختار

به نظر می‌رسد که نظریه انقلاب در ماهیت ازدواج موقت بلندمدت، با قواعد فقه مدنی و اصول حقوقی سازگارتر است؛ زیرا برای دستیابی به ماهیت یک عقد ابتدا باید به قصد طرفین و در صورت اجمال به عرف رجوع کرد. بی‌گمان اراده باطنی طرفین در ازدواج موقت بلندمدت، حاکی از آن است که آن‌ها ازدواج دائم را قصد نموده‌اند و در نتیجه باید عقد را طبق مقصود واقعی آنان تفسیر نمود. در مواردی که اراده باطنی طرفین قابل احراز نباشد، ناگزیر باید به اثر متعارفی که الفاظ و گفته‌های طرفین ایجاد می‌کند، ملزم بود. با این وصف، واقعیت آن است که عرف، ازدواجی را که برای مدت طولانی منعقد شده، با اهداف ازدواج دائم همسو می‌بیند. در نتیجه، بر اساس عرف و تفسیر اراده طرفین بر این مبنا، می‌توان گفت که ازدواج موقت بلندمدت در حکم نکاح دائم است.

ممکن است گفته شود مقتضای قاعده این است که قراردادها تابع قصد طرفین است و در اینجا زن و شوهر قصد عقد موقت داشته‌اند نه دائم، پس اگر قائل به وقوع نکاح دائم شویم، آنچه که مورد قصد طرفین بوده، تحقق پیدا نکرده و آنچه که واقع شده، مورد قصد آنان نبوده است (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶: ۱۰/۱۰۵). از سوی دیگر، به موجب اصل حاکمیت اراده، انسان ذاتاً آزاد و مختار است و هیچ چیز نمی‌تواند انسان را متعهد به ازدواج دائم نماید، مگر اراده و آزادی خود او.

در پاسخ باید گفت شکی نیست که مدت در قلمرو توافق طرفین وارد شده است، ولی با توجه به اینکه در کنار مدت یا مقدم بر آن، اصل نکاح نیز مورد قصد واقع شده است، می‌توان پذیرفت که فرض بر تعدد مطلوب است؛ یعنی طرفین دو مطلوب را قصد نموده‌اند: یکی اصل نکاح و دیگری موقت بودن. وقتی مطلوب دوم مورد امضا قرار نگرفت، مطلوبیت اصل نکاح همچنان به قوت خود باقی است.

در خصوص اصل حاکمیت اراده نیز باید توجه داشت که آفریننده عقد تنها قصد و اراده باطنی نیست؛ بلکه الفاظ و عبارات نیز منشأ اثر و موجد عمل حقوقی به شمار می‌آیند. به این معنا که افراد جامعه در تفسیر قراردادها، تنها اشخاص را به مفاد عرفی الفاظ و رفتارشان ملتزم می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲/۳۷۵). با این رویکرد، برای رفع

ابهام و اجمال از عقد به منظور دستیابی به قصد مشترک طرفین و شناخت ماهیت و آثار عقد باید معنای عرفی الفاظ و اعمال به عنوان ملاک برای تفسیر قرار گیرد (صفایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸؛ کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۸/۳). بر همین اساس، اگر در نکاح موقت مدت ذکر نشود، با اینکه اراده باطنی طرفین نکاح موقت بوده است، عرف آن را دائم تلقی می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۲/۳۰؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۴۴۷/۷؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۲۹۰/۲). بدین ترتیب با وحدت ملاک می‌توان حکم این مورد را به همانند آن یعنی ازدواج موقت بلندمدت تسری داد و با استناد به این مبنا، به دائمی بودن ازدواج موقت بلندمدت اندیشید.

این نکته نیز قابل ذکر است که در صورت تردید در دائم یا موقت بودن عقد نکاح، اصل بر دوام زوجیت است، مگر اینکه خلافش ثابت شود (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۹۱/۱؛ مدنی، ۱۳۸۶: ۱۹۰/۸). از سوی دیگر، قانون‌گذار در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲ در جهت مصالح عمومی جامعه و تحکیم بنیان خانواده، نکاح دائم را مبنای تشکیل خانواده قرار داده است. از این رو، با توجه به این ماده باید اصل در نکاح را نکاح دائم دانست.

ناگفته نماند که اگر احکام نکاح متعه را در ازدواج موقت بلندمدت جاری بدانیم، راه‌گریزی برای مردان پیدا می‌شود تا از انجام تکالیف خویش در قبال زوجه‌ای که همه عمرش را با او سپری کرده، امتناع ورزند و او را از حقوقی مثل نفقه و ارث محروم نمایند. با این وصف، در اختلافاتی که زوج حقوق زوجه را به بهانه موقت بودن ازدواج انکار می‌کند، دادرسان می‌توانند با توجه به قاعده منع سوءاستفاده از حق و اصل عدم اضرار به زوجه، زوج را ملزم به احکام نکاح دائم نمایند. بر پایه این رویکرد، در ازدواج موقت بلندمدت، بذل مدت کافی نیست و باید صیغه طلاق نیز جاری شود. بدین ترتیب، چنانچه زوج از انحلال نکاح فی‌مابین خودداری نماید و طولانی بودن مدت نیز موجب عسر و حرج زوجه گردد، قضات با توجه به قاعده ولایت حاکم بر ممتنع و در اجرای ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، می‌توانند زوج را به طلاق زوجه‌اش اجبار نمایند.

## نتیجه گیری

با امعان نظر و بحث و بررسی پیرامون گستره مدت در ازدواج موقت نتایج زیر حاصل گردید:

- ۱- زمان عقد موقت نباید کمتر از زمان لازم برای بهره گیری جنسی باشد، حتی اگر ثمره ای همچون محرمیت یا جواز نظر برای آن مد نظر باشد.
- ۲- ازدواج کوتاه مدت به میزان چند لحظه، رابطه زوجیت و به تبع آن محرمیت بین زوجین ایجاد نمی کند.
- ۳- ازدواج موقت بلندمدت را نمی توان همسان با ازدواج موقت کوتاه مدت انگاشت و آثار و نتایج مشترکی برای آن ها تصور نمود.
- ۴- با توجه به تفسیر اراده طرفین بر مبنای عرف می توان گفت که در ازدواج موقت بلندمدت، طرفین قصد تشکیل زندگی دائمی را دارند. از این رو، ازدواجی که برای مدت طولانی منعقد شده، ازدواج دائم محسوب شده و آثار و احکام نکاح دائم بر آن مترتب می شود.
- ۵- ضمانت اجرای مدنی نفقه، ارث و طلاق در مورد ازدواج موقت بلندمدت با احراز شرایط قابل اعمال و اجراست.

کتاب‌شناسی

۱. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، *الوسيلة الى نيل الفضيله*، قم، کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
۲. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۳. امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، تهران، کتابفروشی اسلامیه، بی تا.
۴. انصاری، مرتضی بن محمدامین، *کتاب النکاح*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۷ ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم، تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. حسینی سیستانی، سیدعلی، *المسائل المنتخبه*، قم، دفتر معظم‌له، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. حسینی عاملی، سیدجواد بن محمد، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۱۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار العلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. شبیری زنجانی، سیدموسی، *کتاب نکاح*، قم، رای پرداز، ۱۴۱۹ ق.
۱۴. شیروی، عبدالحسین، *حقوق خانواده (ازدواج، طلاق و فرزندان)*، تهران، سمت، ۱۳۹۵ ش.
۱۵. صالحی مازندرانی، اسماعیل، *شرح کفایة الاصول*، قم، صالحان، ۱۳۸۲ ش.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، قم، مصطفوی، ۱۳۶۸ ش.
۱۷. صفایی، سیدحسین، محمود کاظمی، مرتضی عادل، و اکبر میرزائزاد، *حقوق بیع بین‌المللی: بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰*، با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳ ش.
۱۸. صفایی، سیدحسین، و اسدالله امامی، *مختصر حقوق خانواده*، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۱۹. طباطبائی حائری، سیدعلی بن محمدعلی، *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل*، قم، مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۱۸ ق.
۲۰. طباطبائی قمی، سیدتقی، *مبانی منهاج الصالحین*، قم، قلم الشرق، ۱۴۲۶ ق.
۲۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.
۲۲. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه*، قم، کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰ ق.
۲۳. همو، *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. علامه حلّی، ابومنصور جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *تذکره الفقهاء*، قم، مؤسسه آل‌البتیة، ۱۳۸۸ ق.

۲۵. همو، *مختلف الشيعة في احكام الشريعة*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. فاضل موحدي لنكراني، محمد، *تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - النكاح*، قم، مركز فقهی ائمه اطهار عليه السلام، ۱۴۲۱ ق.
۲۷. فاضل هندی، بهاء الدين محمد بن حسن اصفهانی، *كشف اللثام والابهام عن قواعد الاحكام*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۶ ق.
۲۸. قزوینی (زنجانى)، ملاعلى، *صیغ العقود والایقاعات*، قم، اشكوری، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی؛ خانواده (جلد اول: نکاح و طلاق، روابط زن و شوهر)*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲ ش.
۳۰. همو، *دوره حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها (جلد سوم: آثار قرارداد)*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳ ش.
۳۱. همو، *دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ خانواده*، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۳۲. همو، *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، تهران، میزان، ۱۳۸۱ ش.
۳۳. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، *انوار الفقاهة - کتاب النکاح*، نجف اشرف، مؤسسة کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ ق.
۳۴. کرکی عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح التواعد*، چاپ دوم، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۳۵. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۶. لطفی، اسدالله، *حقوق خانواده*، تهران، خرسندی، ۱۳۹۲ ش.
۳۷. محقق داماد، سید مصطفی، *بررسی فقهی حقوق خانواده؛ نکاح و انحلال آن*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۳۸. همو، *قواعد فقه*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۳۹. مدنی، سید جلال الدین، *حقوق مدنی (جلد هشتم: حقوق خانواده - ازدواج و مسائل آن، حقوق و تکالیف زوجین)*، تهران، پایدار، ۱۳۸۶ ش.
۴۰. مصباح یزدی، محمد تقی، *شرح جلد اول الاسفار الاربعه*، تحقیق و نگارش محمد تقی سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴ ش.
۴۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز الکتب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ ق.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، *استفتائات جدید*، چاپ دوم، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب عليه السلام، ۱۴۲۷ ق.
۴۳. همو، *القواعد الفقهیه*، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین عليه السلام، ۱۴۱۱ ق.
۴۴. همو، «شرایط صیغه طلاق، نحوه جدایی در عقد موقت ۹۹ ساله»، قابل دسترسی در وبگاه معظم له به نشانی: <https://makarem.ir>.
۴۵. همو، *کتاب النکاح*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب عليه السلام، ۱۴۲۴ ق.
۴۶. مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليه السلام*، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليه السلام، بی تا.
۴۷. موسوی بجنوردی، سید محمد، *قواعد فقهیه*، چاپ سوم، تهران، عروج، ۱۴۰۱ ق.
۴۸. موسوی خمینی، سید روح الله، *استفتائات*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ ق.
۴۹. همو، *تحریر الوسیله*، قم، دار العلم، بی تا.

۵۰. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *استفتاءات؛ پرسش و پاسخ (فارسی)*، تحقیق سید محمود مددی موسوی، بی جا، مؤسسه الخوئی الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۵۱. همو، *منهاج الصالحین*، چاپ بیست و هشتم، قم، مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق.
۵۲. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، *مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، قم، المنار، ۱۴۱۳ ق.
۵۳. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، *جامع الشتات فی اجوبه السؤالات*، تهران، کیهان، ۱۴۱۳ ق.
۵۴. نجفی، محمد حسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۵۵. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، *رسائل و مسائل (شامل هشتصد و پانزده سؤال و جواب و دوازده رساله فقهی و غیره)*، قم، کنگره بزرگداشت ملامهدی نراقی و ملا احمد نراقی، ۱۴۲۲ ق.
۵۶. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ ق.
۵۷. نوری همدانی، حسین، *منتخب المسائل*، قم، بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۵۸. وحید خراسانی، حسین، *منهاج الصالحین*، قم، مدرسه امام باقر (ع)، ۱۴۲۸ ق.